

# سروده ای به یاد اعدامیان از شاعر کرد شیرکو بی کس

پنجشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۹ - ۱۳ می ۲۰۱۰

شیرکو بی کس

مترجم: شهاب الدین شیخی

هر دوی آن ها در دوراهی مرگ و تاریکی به یکدیگر می رسند...  
در حقیقت ما خود زندگی هستیم و جوانان مان آینده ای بی پایان  
اند...

خوب به من بگویید: از شرق تا به غرب.. از بالا تا پایین این  
سرزمین ها

از قدیم الایام تا به امروز.. طناب های دار چه چیزی را توانسته  
اند در ما بکشند!؟

چه کاری توانسته اند با فریاد بلند مبارزه و آزادی مان بکنند...

طناب های دار توانسته اند «شاهو» را بترسانند..؟

توانسته اند دریاچه ی « وان » و «ارومیه» را خاموش کنند..؟

توانسته اند « پیر مگرون » را به زانو درآورند ؟

آن چه تا به امروز طناب دار توانسته انجام بدهد

نتایج معکوس خواسته های عاملان آن بوده است:

کاروان مان طولانی تر ... و

صدایمان زلال تر و نیروها و ازدحاممان بزرگ تر شده است..!

طناب های دار ترسیده اند... از کورد ترسیده اند..

طناب های دار بازنده های همیشگی اند و ما هنوز هستیم..

جمهوری اعدام اسلامی ایران

پیر - پیر شده است و

اما نیرو و جان ما هنوز گرم و آماده است

جمهوری اعدام اسلامی ایران

در سرایشی خواری است و

اما، ما تازه داریم از قله های بلند

دست به سوی آفتاب دراز می کنیم و به مهمانی زمین می آوریم...

از همین امروز صبح... بزرگترین خیابان سنندج

به فرزاد کمانگر تغییر نام داد...

از همین امروز صبح... بزرگترین پارک مهاباد به شیرین علم هولی  
تغییر نام داد

از سپیده ی امروز... همه ی کودکانی که به دنیا آمدند

نامشان را « فرهاد وکیلی» گذاشتند...

از اولین اشعه ی دم دمای بامداد امروز مهدی اسلامیان چون دریاچه ی  
وان نام اش جاوید شد

از سپیده ی امروز...

علی حیدریان

تاق بستان کرمانشاه است...

بفرمایید سنندج را اعدام کنید؟!

سر مهاباد را ببرید...

بفرمایید نگذارید کودکان ما به دنیا بیایند؟!

بفرمایید

نگذارید باران ببارد و نگذارید گیاه بروید و

نگذارید زمین زندگی کند!

من دیگر از امروز عاشق چشم های شیرین علم هولی هستم  
از امروز تمام شعرهایم را  
گل، ترانه و آوازی خواهم ساخت برای قامت شیرین علم هولی...  
از امروز من تاری از گیسوان او هستم...  
از همین امروز  
من ناخن انگشتان او هستم...  
از حالا به بعد من دیگر همان جفت کفشی هستم  
که او برای آخرین بار پوشید و با آن ها از طناب دار بالا رفت و  
از حالا به بعد من النگوهای به جا مانده ی دست  
شیرین علم هولی هستم... .

جمهوری اعدام اسلامی

چه چیزی را به طناب دار نسپرد و اعدام نکرد؟

از رویا تا شعر و

از شعر تا زن و

از زن تا نان و

تا آب و تا گل و تا چشمه

جمهوری اعدام اسلامی

آن چه را هرگز هرگز نتوانست اعدام کند

آینده و آزادی است

شیرکو بی کس

۹/۵/۲۰۱۰

سلیمانی